

حقوق معیشتی ، حداقل حقوق معیشت یک خانواده (280)

Livelihood law is a family living minimum wage (280)

مؤلف : محمود صانعی پور (مقاله 280)

Author: Mahmoud Saneipour (article 280)



Mahmoud Saneipour

مقدمه

در اسلام ، هر انسانی دارای تکلیف است و در مقابل آن دارای حقوق معینی میباشد ، این موضوع از موضوعات مبنائی و اساسی و غیر قابل اغماض بوده و غفلت از این امر اساسی ، موجب مصائب فراوانی در جامعه میشود و کنش های ناشی از فقدان آن ، نظام را از لحاظ سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی دچار واکنش های جبران ناپذیری خواهد ساخت ، بدیهی است این موضوع حیاتی ، خاص کشورهای اسلامی نیست و یک موضوع جهان شمول بوده و تکلیفی است از جانب دولت برای تمام احاد جامعه ، لیکن چون اسلام بطور خاص باین موضوع توجه دارد و اقدام به این اصل اساسی را از اولویتهای اقتصادی خود می شمارد ، چنانچه در این مورد ، بهر دلیلی از سوی دولت اسلامی ، قصوری به عمل آید ، نمی تواند داعیه عدالت اجتماعی برای سایر کشورهای جهان داشته باشد .

https://fa.wikipedia.org/wiki/حقوق_در_اسلام

مردم یک کشور دارای نیاز های مختلف و به حقی هستند که دولت ها نمی توانند به بهانه های گوناگون از تامین خواسته های ملت برای رفع این نیاز های حیاتی طفره برونند

اهتمام به حقوق مردم و اجرای عدالت در جای جای قرآن کریم و متون معتبر دینی به چشم می خورد. فرد یا جامعه ای که عدالت را مبنای زندگی خود قرار می دهد، آثار آن را که احقاق حقوق مردم در همه ابعاد زندگی است را نظاره خواهد نمود(نساء / ۱۳۵) و(سوره مائده /8) و آیات دیگر

انسان موجودی اجتماعی است. احساس نیاز به زندگی جمعی نه فقط از جنبه غرایز مورد توجه قرار می گیرد، بلکه عوامل دیگری نیز موثرند که بعضا به شرح زیر است (معمولاً این شمول بطور مفصلتر در قانون اساسی کشور هادرج و به تائید ملت رسیده و جنبه تکالیف اولیه برای دولت دارد):

1. گرایش به بهره مندی هرچه بیشتر از طبیعت و حیات طیبه .
 2. بر خورداری از حداقل های عوامل زندگی از طریق عدالت توزیعی
 3. توانا ساختن انسان برای رشد و توسعه و قادر شدن برای فعالیت سودمند و عام المنفعه.
 4. ایجاد امنیت های روانی و فیزیکی برای شهروند ان کشور برای ایفای نقش انسانی خود به کشور از طریق تغذیه ، وسایر برخوردار ی های متعارف ، بیمه و غیره
 5. ضرورت به فعلیت رساندن استعدادهایی که جز با زندگی اجتماعی بدست نمی آید.
 6. آموزش های لازم برای ایفای صحیح تکالیف خویش
 7. سرپناه مناسب و با عوامل های آسایشی متعارف روز
 8. سایر مواردی که در قانون اساسی و قوانین موضوعه و مرتبط باین اصول اساسی وضع و منتشر شده است
- این عوامل بازگوکننده این مطلب هستند که انسان جز با زندگی جمعی و تشریک مساعی بادیگران، توانایی برخوردار ی از رفاه مادی و رشد معنوی را ندارد (حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، ص ۲۱)

تکلیف- حقوق

تکلیف – حقوق ، یک قاعده طلائى در اسلام است و این دو واژه با هم ملازمه تنگاتنگ دارند و داری همگرایی بسیار بالا با ضریب نفوذ(رهبردی ، فنی ، عملیاتی و بالینی) در ماهیت یکدیگرند ، بطوریکه ، یکی از آنها بدون دیگری ، معنی و مفهومی ندارد (حتی نیابتی) و کاربرد ی مجرد هر یک ، دلیل حق کشی و یا تضییع حقوق و عدم رعایت عدالت بوده و نشان دهنده نقص سیستم های اجتماعی و یا رها شدگی امور ضروری است (این مولف در مورد قاعده طلائى " تکلیف- حقوق" نوشته های زیادی را به تحریر درآورده و از طریق سایت www.elmemofid.com منتشر نموده است) و این امر از امور اختصاصی است که دولت نمی تواند آنرا به دیگران واگذار نماید و به صاحب کارخانه و یا ارباب مزرعه محول کند ، کارفرما با توجه باینکه دارای سیستم های لازم برای ادای حقوق کارگران و یا کشاورزان و غیره است و در قبال آن ، حقوق بگیر را مکلف به انجام وظائف قانونی میکند ، عهده دار پرداخت حقوق است که نباید از "بسته معیشتی" برای مکلف و خانواده وی ، کمتر باشد ، و حق ندارد به دلیل های حسابداری خاص سازمان خود ، پرداخت حقوق معیشتی مختل نماید، بدیهی است دولت با افزایش مالیات از پر درآمد ها ، و یا سایر تخصیص های لازم از سایر منابع درآمدی ، کسری حقوق کارگر را تا سطح حقوق معیشتی فراهم کرده و از طریق (نقدی و یا کالا و خدمات) جبران و به مکلف برساند و در این مورد ، جنبه الگونی برای سایر کشورها گردد(در این مورد به مقاله 274 این مولف تحت عنوان گرسنگی در آمریکا مراجعه شود) .

موضوع قاعده "حق و تکلیف" با بسیاری از قواعد "حقوق متقابل" ، "قاعده ارزش افزوده" ، " قانون تعادل عمومی" ، " عدالت توزیعی" ، " آمایش سرزمینی" ، " لزوم زنجیره ای بودن فعالیت های اقتصادی" ، " توسعه حقیقی" ، " لاضرر و لاضرار فی السلام" ، " تراضی طرفین" ، " تورم حقیقی" ، " بیکاری" ، " فساد های اجتماعی و غیره ملازمه دارد و با تعطیل شدن ، رها شدن ، غافل شدن از هر یک اصول و قواعد فوق ، هزینه های اجتماعی و منجمله های هزینه های امنیتی و دعاوی قضائی و نظایر ها افزون شده و بخش هزینه های دولت را در قبال منابع

محدود درآمدی افزایش میدهد ، به عنوان نمونه نرخ تورم که معمولاً دولت کلیه اقلام مصرفی ، تولیدی ، اقلام تحت حمایت های دولتی از طریق یارانه را، یک جا محاسبه کرده و اعلام میکند ، درمورد اقلام مصرفی مرتبط با سبد مصرفی مردم فقیر ویا کم درآمد ، بهیچ وجه صادق نیست و تورم این اقلام مصرفی گاهی در فصول مختلف ودر سرجمع بطور سالانه چند برابر تورم اعلامی دولت است ، این ها نکات مهمی است که بدانش سرشار (میان رشته ای نیاز ندارد) بیک نگاه منصفانه به ملتی فداکار و شهادت طلب ، محتاج است ، واقعاً ما سر چه چیزی داریم چانه میزنیم ، می خواهیم ، حق کدام افراد را کاهش دهیم وبه جیب چه کسانی سرازیر نمائیم ! ، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و جدانشدنی از یکدیگر هستند. باید توجه داشت که تلازم حق و تکلیف، یک سویه نیست و تنها به این خلاصه نمیگردد که اگر حقی برای فردی (دارنده حق) ثابت شد لازم اش تکلیف برای دیگران است که آن حق را محترم شمارند. زیرا هر فرد در ازای حقوق و امتیازاتی که در جامعه برای او در نظر گرفته می شود، یک سلسله تکالیف و تعهدات نیز متوجه او می گردد. در روابط اجتماعی، حقوق در برابر تکلیف قرار میگیرد و یک رابطه دوطرفه را تشکیل می دهد. حقدار مطلق و مکلف مطلق در هیچ نظام حقوقی وجود ندارد(کتاب حقوق متقابل امام سجاد علیه السلام).

تعریف نظام حقوقی در اسلام

نظام در این اصطلاح یعنی مجموعه ای از عناصر به هم پیوسته و هدفمند که هدف واحدی را تعقیب کند، و قانون (Law) به مفهوم عام خود، مجموعه قواعدی است که نظام معیشت و زندگی جامعه را تنظیم می کند؛ قواعدی که دولت و ملت، ملزم به رعایت و احترام آن هستند؛ اگر چه با پشتوانه قدرت و استفاده از **زور** باشد.

<http://hawzah.net/fa/Article/View/86143>

این مولف در مقاله مشارکت های بین المللی در بخش مربوط به آلمان بعد از جنگ جهانی دوم که در عرض 13 سال به یک کشور توسعه یافته در اروپا تبدیل شد ، تمام رموز توفیقات رهبری آنرا در این مقاله (270) آوردم که می تواند الگویی مناسب برای کشورهای نظیر ایران باشد ، در این مقاله که بند و بند آن انجام شده است ، بعضی امور آمرانه و تحکمی بوده است و از قدرت رهبری استفاده شده است ، در حالی که 250 هزار کارخانه در این کشور تعطیل است و اگر هر کدام 100 نفر را مشغول نمایند (مثلاً در مدت دهسال) ، حدود 25 میلیون شغل ایجاد میشود ، واقعاً این سوال کلیدی مطرح است که این بانکداری و دادن بهره تا 26 درصد (وگاهی بیش از 40 درصد) اصالت و الویت دارند و کیان مملکت را استوار نموده اند ، یا اشغال میلیون ها جوان تحصیل کرده و بیکار ، کیان دارای کشور به چه بنیان های استوار است ، قانون مهم است که هر سال عوض میشود ویا فرمان رهبری برای فیصله دادن باین معضلات واضح ، این مقاله نشان میدهد ، در چین ، هندوستان ، آلمان ، ژاپن و غیره ، قدرت فائقه رهبری و مورد اعتماد مردم است کار ساز اصلی و بنیادی بوده است

عنوان مقاله : اصل اندیشی در نظام حقوقی اسلام

www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=207548

نویسندگان : [مومنی عابدین](#) ، [مسجدسرای حمید*](#)

چکیده :

در نظام حقوقی اسلام «نهی حکم یا تکلیف» و نیز بعضی از احکام شرعی مطابق با اصل دانسته شده و اصل،

مستند بسیاری از احکام قرار گرفته است، با وجود این که وسعت به کارگیری اصل، به وسعت فقه بوده و در تمامی ابواب آن به کار می رود، بدون تبیین خاصی از آن و با تردید از مفهوم و معنای اصل سخن به میان آمده است و معنای متفاوتی برای آن ذکر گردیده، در حالی که معیاری برای ترجیح یک معنا بر معنای دیگر ارائه نشده است به طوری که تردید در مفهوم اصل، فراگیر بوده و شامل تمام مکاتب حقوقی و مذاهب فقهی در اسلام می شود. بر اساس ویژگی هائی که اصل دارد، اصل هائی که قواعد اولیه زندگی هستند از اصل هائی که مدلول ادله شرعی می باشند از هم تفکیک شده، و بیان گردیده که فقه اسلامی بر اصولی که قواعد اولیه زندگی هستند بنا گردیده به طوری که «اصل، بر عدم تکلیف» قرار داده شده و بر اساس اصل، هم باید تکلیف گرایی در نگرش فقهی را نفی کرده و هم آزادی های مطلوب که حق اولیه بشر است را تامین نمود، در ضمن نسبت به ارجاع به اصل تسامحاتی صورت می گیرد به طوری که بعضی اصل هائی فرض شده اند که از قواعد اولیه و عقلائی زندگی بشر محسوب نمی شوند. در مقاله حاضر ضمن بیان این تسامحات، پیشنهاد شده است که اصل هائی که مقتضای نظام طبیعی زندگی هستند از اصل هائی که جنبه فرضی و تصویری دارند با بررسی هر یک از آنها تمییز داده شوند (به خصوص که اصل بر ولایت و فقیه استوار است و مصالح کشور - مولف)

تأملی در «رابطه حقوق و عدالت» با تأکید بر حقوق اسلام

مقاله 3، دوره 8، شماره 26، پاییز و زمستان 1386، صفحه 85-120

نوع مقاله: علمی - پژوهشی (حقوق خصوصی)

نویسنده

مصطفی دانش پزوه

* استادیار و عضو شورای علمی و هیأت علمی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عدالت از نخستین و اصلی ترین دغدغه های بشر بوده که در عرصه های مختلف زندگی و در چهره های متفاوت عدل فلسفی، عدل کلامی، عدل سیاسی، عدل اخلاقی و عدل حقوقی، اندیشه ذر را به خود مشغول داشته است. موضوع این نوشتار، گزارش تحلیلی و بسیار فشرده ای از عدل حقوقی، به ویژه رابطه حقوق و عدالت از دیدگاه اسلام است. اما دستیابی بهتر و منطقی تر به این مطلوب، پرداختن به رابطه حقوق و عدالت از سایر دیدگاه ها را ضرور می سازد. به این جهت، نخست در پیش گفتار، به جایگاه بحث از عدالت در فلسفه حقوق اشاره شده است و سپس در مقدمه گفتار اصلی، عدالت موضوع گفتگوی مکاتب حقوقی تبیین و پس از آن دیدگاه مکاتب حقوق طبیعی و حقوق پوزیتیویستی درباره عدالت حقوقی مطرح شده و بالأخره پس از طرح اندیشه کلی اسلام درباره عدالت، به ویژگی های عدالت حقوقی اسلام و نتایج حاصل از آن اشاره و تصریح شده است که اگرچه به طور مسلم عدالت یکی از مبانی و با نگاه دقیق تر، یکی از اهداف حقوق اسلامی است، اما مبنای یگانه و هدف وحید آن نیست، پس در ارزیابی قوانین، توجه به دیگر مبانی و اهداف نیز ضروری است. law.journals.isu.ac.ir/article_1278.htm

در مورد اصل مقاله می توان به آدرس فوق مراجعه نمود ولی به اختصار، نویسنده مقاله (آقای مصطفی

دانش پژوه) سرفصل ها وکلید واژه ها به تفصیل بحث نموده و دومیورد آن به شرح زیر است:

1. عدالت منبای حقوق است وبدون این مبنا ، قوانین مشروعیت ندارد(آنچه این مولف باین نکته اضافه میکند اینست که وضع قوانین ومقررات باز طریق تضارب افکار و صرف بحث وجدل وبدون عامل مهم راهبردی ، فنی ، عملیاتی وبالیینی ، قابلیت درک واستفاده نیست وسلیقه ها ، توصیه های القائی وتعاملات نامتقارن جای آنرا میگیرد وبجای قانون تلقی میشود)

2. همچنان که اگر مقصود از «اهداف حقوق»، حقایق مطلوبی باشد که باید با اعمال و اجرای حقوق بدان دست یافت، در این صورت، وجود عینی عدالت و تحقق عدالت در جامعه، به عنوان هدف حقوق، مراد ما خواهد بود.(نکته ای که این مولف دراین مورد اضافه میکند ، بحث مفصلی است تحت عنوان " فهم حقیقی، نسبی واعتباری " که دریک مقاله جمع شده در سایت این مولف است وجزء قواعد دانش مفید در جدول مادر جمع شده است ، به عقیده اینجانب ، هر کس که حق وحقیقت را فهمید ، همه چیزرا فهمیده است وگرنه هیچ چیزرا نفهمیده است ، دلیل این مطلب برای حق شناسان روشن است وآن پنجره ای که از راه حق وحقیقت ، برای شخص فهیم وحق وحقیقت شناس که فتح میشود).